

افکار ملل جهان

پیرامون مسئله عزوبت و ازدواج

بدون تردید انگیزه زناشوئی برای نوع انسان ، امری طبیعی و غریزی است و دیانت مقدس اسلام نیز پیروان خود را بزناشوئی و تزویج امر و تأکید فرموده است .

اما از قدیم بواسطه علل و اسبابی ، افکار مردم جهان از نظر اجتماع و دین و رسوم ، مسئله ازدواج را صنعتی کرد و امروزه بعضی از طبقات مردم جهان ، عصر ازدواج و زناشوئی را عاطل گذاشته و بعد از اینکه بهار فصل جوانی رو بزوال گذاشت با آب ورنك خاصی وارد مرحله نوین زناشوئی میشوند .

چینیان قدیم :

بر هر قبیله ای واجب میسر دهند که بمجرد اینکه فرزندان نشان بعد بلوغ رسیدند ، آنانرا ولو اینکه مریض باشند ، داماد کنند فیلسوف چینی (Mencius) قائل بود که : هر کس بدون فرزند بمیرد گناهکار است . مردم شبه جزیره کره بمردی که هنوز زن نگرفته بود (یا تو YatOu) میگفتند ، و این اسم را چینیان بر دختر نابالغ اطلاق میکردند ! .

یهودیان سابق

- بجز فرقه حسدین- نظرشان این بود که ازدواج، واجب دینی است. فقهاء ایشان میگفتند که: جریمه کسیکه با قدرت بر ازدواج آنرا ترك کرده با جریمه قاتل برابر است! زیرا هر دوی ایشان نور خدا را خاموش کرده اند!

بعضی از قبائل قدیمی آریائی عزوبت را از گناهان کبیره شمرده و چنانکه (فوستل دو کلانج Fusteldoculange) میگوید قائل بوده اند که روح عزب بعد از مردن براه شقاوت میرود و اعقاب مرد هر چه از ادعیه و قربانی و صلوات بجا میآورد برای تکمیل روح پدران مؤثر میباشد

شریعت قدیم هند

که معروف به (مانو) بود، ازدواج را واجب عینی میدانست و شخص برهنه آنچنان بر عزب نظر میکرد که گوئی بر عنصر فاسد وضار و کثیفی نظر میکند! و برهنمان معتقد بودند که کسیکه عزب میبرد روحش منخبط میشود. در کتاب (اوستا) نقل شده که اهورمزدا (خدای خیر) بزردهشت وحی کرد که مقام زن دار از شخص عزب بالاتر است و لولاینکه آن عزب بسیار پرهیز کار بوده باشد.

قدماء یونان

ازدواج را بر انسان واجب عقلی میشمردند و در بعضی موارد بر مرد عزب جریمه می بستند و گاهی اینانرا به محاکمه نظامی میکشاندند! افلاطون گفته است: ازواجبات این است که انسان بعد از خود

کسی را برای اقامه شعائر باقی گذارد .

رومیان قدیم

ازدواج را از مبادی اخلاق فاضله و نظام اجتماعی می‌شمردند و (شیشرون) در کتاب قوانین خود تأکید کرده که احکام جزائی و غراماتی را بر عصب‌های کشور روم وارد سازند ! .

قبائل (آنکا incas) که بومیان اصلی جمهوری پرو هستند ، ازدواج را واجب اجتماعی و دینی بر هر مردوزن در سن معین ، می‌شمردند و عشائر (ازتک Azteques) که بومیان اصلی کشور مکزیک بوده‌اند بجز برای روحانین ؛ شایسته نمی‌دیدند که پسرانشان بعد از رسیدن بسن ۲۲ ، عزب بمانند و عشائر (سانتال - Santals) عزب را مانند دزدان مجرم می‌دیدند و می‌گفتند : اینان یعنی عزبها از طبیعت آدمیان خارج هستند ! .

عشائر توپیس (Toupiis) که بومیان اصلی برزیل هستند به عزاب اجازه نمی‌دهند که در مجامع دینی شرکت کنند و عشائر (فید چین - Fidjiens) که سکان پولانزیا هستند معتقدند : کسیکه در حال عزوبت می‌میرد ؛ در آخرت بعذاب الیم دچار شده و او را قطعه قطعه خواهند نمود ! .

عشائر اسکیمو که در سیبری زیست می‌کنند ، در حفاظت مردان و زنان ، بسیار می‌کوشند و می‌ترسند ، پیش از اینکه اولادی داشته باشند از دنیا بروند .

ظاهر یون که رئیس ایشان داود اصفهانی و ابن حزم و بعضی دیگر از فقهاء مسلمین بوده‌اند ، گفته‌اند که : ازدواج (در صورت قدرت)

مانند نماز و روزه واجب عینی است و دلیل ایشان این آیات و روایات است که بصیغه امر وارد شده است .

(۱) فانكحوا ما طاب لكم من النساء: یعنی نکاح کنید از زنانی که برای شما شایسته است . (آیه شریفه)

(۲) تزوجوا ولا تطلقوا یعنی تزویج کنید و زنان را طلاق نگوئید (حدیث شریف)

(۳) من استطاع منكم الباءة فليتزوج وهن لم يستطع فليصم یعنی کسیکه برزنا شوئی قدرت دارد ، باید تزویج کند و گرنه روزه بگیرد که روزه سختی عزوبت را تسکین میدهد (حدیث شریف)

النكاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی : یعنی زنا شوئی سنت من است و کسیکه از آن اعراض می کند از من نیست : (حدیث شریف)

معظم فقهاء اسلام اگرچه بر کسیکه ازدواج نمیکند کیفر و جزا قائل نشده اند و لکن میگویند : وقتیکه خوف حرام و معصیت برای انسان باشد واجب است که ازدواج کند ، و حاصل اینکه جمیع علماء اسلام اجماع دارند که عزوبت با مبانی صحیح اسلامی چندان مناسبت ندارد و در این باره شارع مقدس اسلام فرموده : کسیکه تزویج می کند نصف دین خود را احراز نموده است مفهوم حدیث شریف این است که شخص عزب نصف دین را نیز احراز نکرده است .

و اما آن سخنانی که روح اعراض و ترك تزویج را در میان جوانهای مسلمین می پروراند مردود و مجعول است و با اساس شریعت حقه اسلام منافی و معارض است و این کلام نیز از همان روایت های مجعوله

است . خیر کم من لم یتزوج بعد المائة او الالف

یعنی بهترین شما آنکسی است که بعد از گذشتن سنه صدم هجری یا هزارم هجری ازدواج نمی کند . و گویا این سخن از راه مسیحیت و یا بوسیله غلات صوفیان باسلام و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نسبت داده شده است .

یک عمل شایسته !

دربرا بر هزاران تبلیغات نا روا و مسموم که از طرف شرکتهای و مؤسسات تجارتمی و سودپرست انجام میگیرد مؤسسه شرکت روغن نباتی گل برای دومین بار با کتاب خوب عشق ورزیده و مسابقه در تالیف بهترین کتاب درباره شخصیت و عظمت سالار فداکاران و سرور شهیدان حضرت ابی عبد الله الحسین (علیه السلام) را بدانشمندان و نویسندگان پیشنهاد نموده و برای سه نفر اول و دوم و سوم جایزه قابل توجهی قرار داده است .

این مسابقه روغن نباتی گل ، گل مسابقه هاست